



حل مسئله
در کلاس درس

چرا رفتارم این طوری شده؟

تمرین کوه یخ در چهار گام

لیلی محمدحسین

تصویر گر: میثم موسوی

در سلسله مقالات حاضر سعی می‌کنیم با استفاده از تمثیل کوه یخ، یافتن راه‌حل‌های واقعی با نگرشی کل‌نگر (سیستمی) را با چهار گام تمرین کنیم. این چهار گام عبارت‌اند از:

۱. تحلیل یک اتفاق یا مسئله؛
 ۲. یافتن الگوهای رفتاری در مسائل مشابه؛
 ۳. شناسایی عوامل و نیروهای مؤثر در مسئله؛
 ۴. تغییر عامل یا الگویی ذهنی که باعث به وجود آمدن مسئله شده است.
- در شماره قبل گام اول را معرفی کردیم. در این قسمت گام دوم معرفی می‌شود که در آن به کشف الگوی رفتاری می‌پردازیم.

در این گام باید کشف کنیم در پس رفتارهایمان چه الگویی وجود دارد؟ باید ببینیم آیا در گذشته مسئله‌ای مشابه داشته‌ایم و برخوردمان با آن چگونه بوده است. استفاده از این سؤال‌ها به کشف این الگو کمک می‌کند: چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ آیا قبلاً در این وضعیت یا وضعیتی مشابه قرار داشته‌ایم؟ در گذشته در برابر این وضعیت، چه اقداماتی انجام دادیم یا چه رفتاری داشتیم؟

با تحلیل این رفتارها در گذشته می‌توانیم به یک الگو دست یابیم. گاهی می‌توانیم با یک نمودار این الگو را نشان دهیم. در این نمودار، محور افقی، زمان و محور عمودی نوع رفتار را نشان می‌دهد. البته کشف این الگو به این معنا نیست که فکر کنیم این رفتار غیرقابل تغییر است و از تحول نومید شویم. قرار است در گام سوم تحلیل کنیم چه عواملی باعث بروز چنین رفتاری می‌شوند و برای تحول واقعی چه عاملی را باید تغییر دهیم.

در مقاله شماره ۱، مسئله بی‌انگیزگی دانش‌آموزان را در درس ریاضی مطرح کردیم. معلم می‌تواند در مواجهه با این مسئله به عقب برگردد و ببیند در وضعیتی مشابه، در کلاس‌های سال‌های قبل چه رفتاری کرده است؟ آیا از سازوکارهای تشویقی استفاده کرده است؟ آیا برای خوب انجام دادن تکالیف پاداش در نظر گرفته است؟ آن پاداش چه بوده است؟ با دانش‌آموزانی که هرگز موفق به دریافت پاداش نشدند، چه کرده است؟ آیا درباره این مسئله با همکاران دیگر صحبت کرده است؟ همکاران برای حل چنین مسئله‌ای چه کرده‌اند؟

با بررسی مقالاتی که درباره این موضوع نوشته شده‌اند، فهرست بلندی از تکنیک‌های ایجاد انگیزه در کلاس درس به دست می‌آید، از جمله:

۱ و شوق به دانش آموزان. اگر معلم از موضوع درس به هیجان بیاید و هیجان زده درس بدهد، احتمال اینکه دانش آموزان هم برای یادگیری به هیجان بیایند، بیشتر می‌شود.

۲ استفاده از روش‌های گروهی. گاهی وقتی دانش آموزان در گروه قرار می‌گیرند، ارتباطات بین فردی و کار کردن برای یک هدف مشترک، انگیزه یادگیری بعضی از آن‌ها را افزایش می‌دهد.

۳ شناخت عمیق دانش آموزان. این شناخت فراتر از دانستن نام دانش آموزان است. اگر علاقه‌ها و دغدغه‌های دانش آموزان را بشناسیم و بتوانیم بین محتوای درسی و علاقه‌های آنان ارتباط برقرار کنیم، آنگاه می‌توانیم انتظار داشته باشیم در یادگیری مطالب درسی شوق بیشتری داشته باشند.

۴ بالابردن سطح اهداف کلاس. اهداف باید ارزشمند و برای دانش آموزان قابل دستیابی باشند. اگر دانش آموزان برای رسیدن به اهداف، نیاز به تلاش زیاد نداشته باشند، انگیزه‌شان کاهش می‌یابد. درواقع، دانش آموزان دوست دارند به چالش کشیده شوند و برای رسیدن به اهداف تلاش کنند. البته اگر مطمئن باشند به آن اهداف می‌رسند.

۱ مسئولیت دادن به دانش آموزان. به طوری که احساس کنند در امور کلاس دخالت و به نوعی حق انتخاب دارند. مثلاً می‌توانند انتخاب کنند کدام تکلیف را انجام بدهند یا کدام مسئله را در کلاس حل کنند.

۲ توضیح روشن اهداف کلاس در جلسه‌های اول. روز اول کلاس، اهداف خواندن ریاضی، انتظاراتی که معلم از دانش آموزان برای این درس دارد، انتظاراتی که دانش آموزان می‌توانند از معلم داشته باشند و قوانین کلاس به روشنی شرح داده می‌شوند.

۳ برگزاری کلاس درس خارج از کلاس. گاهی برای ایجاد شور و شوق در کلاس درس خوب است معلم محل کلاس را تغییر دهد. مثلاً کلاس را در حیاط مدرسه یا یک پارک نزدیک تشکیل دهد.

۴ پیشنهاد پاداش‌هایی که برای دانش آموزان شوق‌انگیزند. مانند تماشای فیلم، جشن پیتزاخوری یا دادن برچسب تشویقی پاداش محسوب می‌شود.

۵ با شور و شوق درس دادن و سعی در انتقال این شور

تکلیف را برای دریافت پاداش انجام می‌دهند؟ آیا نوع پاداش غیرمؤثر بوده یا برای این گروه سنی تعیین پاداش بی‌تأثیر است؟ آیا تا به حال توانسته است کلاس درسش را در خارج از محیط رسمی کلاس یا حتی خارج از مدرسه تشکیل دهد؟ در صورت جواب مثبت، این کار چه تأثیری بر دانش آموزان داشته است؟ چه تغییر رفتاری در دانش آموزان مشاهده شده است؟

پس از بررسی دقیق پاسخ‌های این سؤال‌ها و تعداد دفعاتی که از این روش‌ها استفاده کردیم، می‌توانیم الگوی رفتاری خود و دانش آموزانمان را کشف کنیم. پس از کشف الگو، برای گام سوم آماده می‌شویم. در گام سوم قرار است بررسی کنیم چه عواملی زمینه‌ساز این الگوی رفتاری هستند.

حال معلمی که دچار چنین مسئله‌ای است، چند دقیقه‌ای تأمل می‌کند تا ببیند آیا در گذشته از این روش‌ها برای افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان استفاده کرده است؟ آیا واقعاً هنگام ارائه درس، شور و اشتیاق کافی داشته؟ آیا توانسته است هیجان خود را به دانش آموزانش منتقل کند؟ کدامیک از این روش‌ها مؤثرتر و کدامیک بی‌تأثیر بوده‌اند؟ اگر مثلاً از روش‌های گروهی استفاده کرده است، آیا دانش آموزان مقاومت کرده‌اند و گروه هم‌سالانشان هم برایشان ایجاد شور و شوق نکرده‌اند. از چه ترکیبی برای تشکیل گروه استفاده کرده است؟ گروه همگن یا ناهمگن؟ شیوه ارزیابی فعالیت‌های گروهی چگونه بوده است؟ از چه راهی مطمئن می‌شده که همه افراد گروه در انجام فعالیت‌ها مشارکت دارند؟

آیا تا به حال پاداشی برای انجام تکلیف در نظر گرفته است؟ آیا در ابتدای استفاده از پاداش، تعداد کسانی که تکلیفشان را انجام می‌دادند، افزایش یافته است یا بعد از یکی دو بار، تأثیر پاداش کم شده است و عده کمی

منابع

1. <https://www.teachthought.com/pedagogy/21-simple-ideas-to-improve-student-motivation>.
2. <http://www.teachhub.com/top-12-ways-motivate-students>
۳. سنگه، پیتر و همکاران (۲۰۱۲). خلق محیط یادگیرنده در کلاس، مدرسه، جامعه. ترجمه لیلی محمدحسین. منظومه خرد. چاپ اول. ۱۳۹۷.